

گاه‌شماری و سال‌شماری گیلکی

اشاره:

در نگارش این مقاله، تلاش شده است که از نتایج تحقیقات و آرای استادان و محققانی که درباره گاه‌شماری باستانی مردمان کوه‌نشین گیلان و مازندران دست به تحقیق و گزارش زده‌اند، جمع‌بندی به دست داده و مجموعه‌ای مدون و سازمان‌دهی شده زیر عنوان «گاه‌شماری و سال‌شماری گیلکی» آماده گردد که با رجوع به آن بتوان به پرسش‌های امروزی نسلی پاسخ داد که نگارنده نیز خود متعلق به آن می‌باشد. نسل جوانانی که حال به هر دلیل از ریشه‌های هویتی خویش دور مانده‌اند و سودای بازگشت به خویش را در سر دارند. نگارنده، پیش از آن که جرات نگارش این مقاله و طراحی تقویم گیلکی را بیابد، منابع زیر را چندین و چندبار مطالعه نموده است:

دامون (نشریه)، مدیرمسئول: پوراحمد جکتاجی.

فرهنگ گیل و دیلم (فارسی به گیلکی)، محمود پاینده لنگرودی.

گیلان‌نامه، مجموعه مقالات گیلان‌شناسی، جلد اول، مقاله: گاه‌شماری گیلکی، محمدولی مظفری.

سومین کنگره تحقیقات ایرانی، جلد اول، مقاله: واژه‌هایی از گاه‌شماری کهن گیلکی، عبدالرحمن عمادی.

تقویم گیلکی، گیله‌وا، شماره ۲۲ و ۲۳، تیر و مرداد ۱۳۷۳، عبدالرحمن عمادی.

گاه‌شماری باستانی مردمان مازندران و گیلان، نصراله هومند.

در ضمن، پس از گفت‌وگو با برخی از معمرین مناطق کوهستانی، در مرداد ماه ۱۳۸۵ شمسی گفت‌وگویی نیز با جناب عبدالرحمن عمادی، محقق و نویسنده مطالب بسیاری در باب گاه‌شماری گیلکی داشته‌ام، تا هرچه بیش‌تر از نقاط ضعف این مقاله و تقویم بکاهم. نوار این گفت‌وگو نیز نزد نگارنده محفوظ است. از تمام عزیزانی که این مقاله را مطالعه می‌کنند، خواهش می‌کنم که نقد آن را از یاد نبرند.

مقدمه و معرفی:

گاهشماری رایج، میان مردم گیلک‌زبان کوهستان‌های گیلان و غرب مازندران، از بن و ریشه وابسته به گاهشماری باستانی ایرانی (یزدگردی قدیم) بوده است و سال‌شماری یزدگردی قدیم، بنابر روایات ایرانی و هم‌چنین براساس محاسبات نجومی، کهن‌ترین سال‌شمار ایرانی محسوب می‌شود. گاهشماری باستانی گیلکی، از دوران کهن تا زمان انتخاب یک روز کبیسه با نام **ویشک** (višak) و نگه داشتن آن، گاه‌شمار مورد استفاده مردم و حاکمان این منطقه بوده و سالی «گردان» محسوب می‌شد. یعنی آغاز سال آن که در ابتدای اعتدال بهاری قرار داشت، در هر ۴/۱۳۱۵۰۶۸ سال، یک روز از مبداء (اعتدال بهاری) فاصله می‌گرفت. این چرخش تا ۹۲۹ سال ادامه داشت و سرِ سال، ۲۲۵ روز از مبداء فاصله گرفت و به نیمه تابستان و زمان خرمن و برداشت فراورده‌های کشاورزی و دامی رسید. این هنگام مناسب‌ترین زمان برای پرداخت مالیات و خراج به حاکمان بود. از این روی با انتخاب یک روز کبیسه به نگاه‌داشت سال مبادرت ورزیدند و انجام این کار، نخستین تجربه و اقدام در انتخاب سال و مبداء خراجی در گاهشماری‌های ایرانی است.

با توجه به آن‌چه که گفته شد، مردم دیلمان، وقتی که سرِ سال (آغاز سال) باستانی به نیمه‌های تابستان رسیده بود، با انتخاب یک روز کبیسه در هر چهار سال با نام «ویشک» سال را در همان جا که بود نگاه داشتند. و زمان این اقدام، مبداء جدید سال‌شماری گیلکی گشت. که این مبداء دقیقاً برابر است با:

روز دوشنبه، هرمزد روز (اولین روز) از سال ۵۴۵۴ باستانی (یزدگردی قدیم) و ۷۱۰۸۲ روز پیش از مبداء شمسی هجری. (چگونگی محاسبه و به دست آوردن دقیق این زمان را آقای هومند در کتاب بسیار ارزشمند گاهشماری باستانی مردم مازندران و گیلان نشان داده‌اند. این کتاب و محاسبات هومند مورد اعتمادترین و مبنای اساسی این مجموعه‌ی گردآوری شده است)

جدولی که مشاهده می‌کنید، جدول هم‌زمانی گاه‌شماری‌های مختلف و مقایسه مبداء آغاز هر کدام از آن‌هاست. آقای عبدالرحمان عمادی، محقق و نویسنده مقالات متعددی در باب گاه‌شماری، به ویژه سال‌شماری گیلکی، در گفت‌وگویی که با ایشان داشته‌ام خاطرنشان می‌سازند که در گذشته، در مناطق کوهستانی، تنها تقویم مورد استفاده مردمان آن‌جا، همین تقویم گیلکی بوده است و تنها برای دانستن زمان درست ایام مذهبی، از روحانیان منطقه سوال می‌شده است.

منبع این جدول، کتاب گاهشمارى باستانی مردم مازندران و گیلان است.

گیلکی (کیسه دارد)	ایرانی (یزدگردی قدیم)	میلادی (ژولیوسی)	شمسی هجری
	آغاز دوره	-۵۰۲۳	-۵۶۴۴
	۱۵۰۸	-۳۵۱۶	-۴۱۳۷
	۳۰۱۶	-۲۰۰۹	-۲۶۳۰
	۴۵۲۴	-۵۰۲	-۱۱۲۳
	۵۰۲۷	مبداء میلادی	-۶۲۱
مبداء تقویم گیلکی	پایان ۵۴۵۳ و آغاز ۵۴۵۴	۴۲۶	-۱۹۵
۱۹۴/۶۱۶	۲۸ آذر ۵۶۴۸ باستان ایرانی	۱۹ مارس ۶۲۲	مبداء هجری شمسی
۲۰۵/۶۱۶	...	۱۸ مارس ۶۳۲	...
۵۷۸/۶۱۶	...	۱۵ مارس ۱۰۰۶	پایان ۳۸۴
۶۵۱/۶۱۶	...	۱۵ مارس ۱۰۷۹	آغاز ۴۵۸
۱۵۶۹/۶۱۶	...	۲۰ مارس ۱۹۹۶	پایان ۱۳۷۵
چهارشنبه، ۱۰ ورفن ما سال ۱۵۷۰	...	۱۸ ژوئن ۱۹۹۷	۲۸ تیر ۱۳۷۶

مراسم آغاز سال جدید (نوروزِ بِل) به طور متغیر، وابسته به محل برگزاری و نحوه قرار دادن پنج روز کیسه، بین سیزدهم تا هفدهم مرداد ماه برگزار می‌شد. اما طبق محاسبات علمی آقای نصرالله هومند در کتاب «گاهشمارى باستانی مردمان گیلان و مازندران» روز دقیق آغاز سال گیلکی همان ۱۷ مرداد ماه سال هجری شمسی است.

درباره مبداء سالشماری گیلکی:

مبداء سالشماری گیلکی، تاریخی است که مردم دیلمان با انتخاب و اجرای یک روز کیسه به نام ویشک (višak) آغاز سال را در همان جایی که قرار داشت، ثابت نگاه داشتند.

نکته مثبت در این واقعیت این است که، مبداء تاریخی این مردم، نه یک رخداد سیاسی، یا مذهبی، که یک رخداد کاملاً علمی و البته مردمی است. زیرا آن گونه که گفته شد، دلیل اصلی‌اش، راحتی مردم کشاورز و دامدار و صنعت‌گر در دادن خراج و مالیات سالیانه بوده است. بنابراین، این مبداء، متعلق به اندیشه یا مذهب یا تفکر سیاسی خاصی نبوده و تنها بر پایه مناسبات تولید به وجود آمده و می‌تواند مورد وفاق تمام گیلکان، از هر اندیشه و مذهبی قرار گیرد.

شاید خرده‌گیران اشکال بگیرند که چرا آغاز سال گیلکی، از میانه تابستان است. در حالی که نوروز ایرانی در اعتدال بهاری واقع شده است.

در پاسخ به این اشکال، دو پاسخ می‌توان داد. اول این‌که: آغاز سال درصد بسیار بالایی از مردم کره زمین یعنی مسیحیان، در سوز و سرمای زمستانی است. و این‌که آغاز سال در چه فصلی، باشد، درگیر هیچ قاعده‌ای نیست.

دوم هم آن‌که: نوروزی که در اعتدال بهاری (آغاز سال هجری شمسی) توسط تمام کشورهای منطقه نوروز (ایران، افغانستان، تاجیکستان، هند و...) جشن گرفته می‌شود، با نوروزبل گیلکی که آغاز سال گیلکی است تفاوت داشته و این دو، دارای دو هویت متفاوت‌اند. اولی، جشن طبیعت و اعتدال بهاری و ریشه در اساطیر آریایی ایران دارد. و می‌تواند مبداء تحویل سال قرار گیرد یا نگیرد، چنان‌که در هند یا تاجیکستان یا ترکیه، مبداء سال، همان اول ژانویه است، نه نوروز. اما نوروز هم جشن گرفته شود.

و دومی، جشنی برای آغاز سال گیلکی است که ریشه در فرهنگ و باور کهن اقوام بومی منطقه و بعدتر، مناسبات تولیدی منطقه جنوبی دریای کاسپین دارد.

در تمام طول تاریخ مناطق گیلک‌نشین، کوه‌نشینان گیلک (گالش‌ها)، هم نوروز را جشن می‌گرفتند و هم در میانه تابستان، نوروزبل را برمی‌افروختند. و این نشان دهنده استقلال هویت این دو جشن از هم، در تفکر گیلک است.

درباره مبداء سالشماری گیلکی:

نصراله هومند در کتاب خود، این تقویم را «دیلمی» نامیده است. اما آن طور که به نظر می‌رسد، همان طور که مردم استفاده‌کننده از این تقویم، به دلیل فقدان انباشت سرمایه و عدم شکل‌گیری شهرهای بزرگ و نداشتن دولت مرکزی و قدرتمند، هرگز اقدام به شمارش سال بر اساس مبداء نکردند (البته دلایل دیگری نیز می‌توان برای این مسأله آورد)؛ همان‌گونه نیز هرگز این تقویم را به نام خاصی ننامیده‌اند.

پیشنهاد من برای این تقویم، همان تقویم خورشیدی گیلکی‌ست. به دلیل این‌که این تقویم از اساس تقویمی خورشیدی بوده (عبدالرحمن عمادی در گفت‌وگویی که با او در مجله‌ی گیله‌وا داشتم روی نکته تاکید خاصی دارد) و از سوی دیگر متعلق به مردمان گیلک است.

واژه‌ی دیلمی ابهام زیادی دارد. از سویی واژه‌ای غیرگیلکی و غیربومی‌ست که از بیرون به ما نسبت داده می‌شد و در هر دوره تاریخی به بخشی یا بخش‌هایی اطلاق می‌شد و از سوی دیگر کلیت قوم گیلک (گیله‌مرد، کلایی و گالش) همگی در زبان گیلکی اشتراک دارند.

تبدیل سال‌های مختلف به گیلکی:

با توجه به آن‌چه که گفته شد و جدولی که ارائه گشت، برای تبدیل سال هجری شمسی به گیلکی، کافی است که عدد ۱۹۵ و یا دقیق‌تر، عدد ۱۹۴/۶۱۶ را به سال هجری شمسی اضافه کنید. برای مثال، سال ۱۳۸۵ هجری شمسی، برابر است با ۱۵۸۰ گیلکی:

$$۱۳۸۵ + ۱۹۵ = ۱۵۸۰$$

و برای تبدیل سال میلادی به گیلکی، عدد ۴۲۶ را سال گیلکی کم کنید. که با توجه به این نکته، سال ۲۰۰۶ میلادی، برابر است با سال ۱۵۸۰ گیلکی:

$$۲۰۰۶ - ۴۲۶ = ۱۵۸۰$$

ماه‌ها و روزهای سال‌شماری گیلکی:

سال گیلکی، دوازده ماه ۳۰ روزه دارد به علاوه ۵ روز اضافه به نام پنجیک (panjik) که به پایان ماه هشتم اضافه می‌گردند که روی هم رفته سیصد و شصت و پنج روز است. و هر چهار سال یک‌بار، یک روز به عنوان کبیسه به نام ویشک بر پنج روز پنجیک اضافه می‌گردد.

این‌جا لازم است به نقل از آقای عمادی تذکر دهیم که در تمامی گاه‌شماری‌های ایرانی ما با ماه‌های سی روزه سر و کار داشتیم و ماه‌های سی و یک روزه که در سال‌شماری فعلی مورد استفاده در ایران وجود دارد، هرگز در گاه‌شماری‌های ایرانی سابقه نداشته و اختراع دوران پهلوی اول است.

برای اطلاع بیشتر از ماه‌ها و روزهای سال‌شماری گیلکی، در این‌جا به معرفی آن‌ها می‌پردازیم، با این تذکر که پسوند «ما» که در بیشتر اسامی ماه‌های گیلکی وجود دارد، به معنی «ماه» است:

(در مقایسه روزهای هجری شمسی با گیلکی، فرض بر سال‌های ۳۶۵ روزه است. در سال‌های با یک روز کبیسه، از آن‌جایی که یک روز به اسفند ماه هجری شمسی اضافه می‌شود و یک روز به پنج‌روز پنجیک در پایان ماه هشتم گیلکی، مقایسه اندکی تفاوت خواهد کرد)

اول: نوروز ما **noruz mā**

از ۱۷ مرداد شمسی هجری آغاز می‌شود و تا ۱۵ شهریور ادامه دارد. این ماه و روز اول آن، آغاز سال گیلکی است و در بزرگداشت آن شعله نوروزی (نوروز بل **noruzə bal**) می‌افروختند و جشن آغاز سال می‌گرفتند.

دوم: کورچ ما **kurc mā**

از ۱۶ شهریور تا ۱۴ مهر ماه هجری شمسی می‌باشد. در این ماه، کوه‌نشینان کم‌کم از کوه‌ساران سربلند به سوی جلگه‌ها سرازیر می‌شوند.

سوم: آریه ما **arye mā**

از ۱۵ مهرماه تا ۱۴ آبان هجری شمسی.

چهارم: تیر ما **tir mā**

از ۱۵ آبان تا ۱۴ آذر طول می‌کشد. صاحب فرهنگ اسدی، یکی از معانی تیر را فصل خزان نوشته است. شاید استعمال «تیر» و «تیرماه» در معنی فصل خزان، یادگار باقی‌مانده نوعی از گاه‌شماری قدیمی‌تر (پیش از مبداء سال‌های باستانی ایرانی) باشد که تحویل سال را از اول تابستان می‌گرفتند.

در روز سیزدهم از ماه تیر ما، جشن **تیرما سینزه** (سیزدهم تیرماه) برگزار می‌شود.

در این جشن، اعضای خانواده نیت می‌کنند و گوشوار، انگشتر، دکمه یا هرچیزی که می‌شناسند را در ظرف آبی که از پیش آماده شده می‌اندازند و دختر نابالغی در کوزه دست می‌کند و اشیاء را به طور تصادفی، یکی‌یکی بیرون آورده و به بقیه نشان می‌دهد و رباعی‌خوان، یک دوبیتی گیلکی (گیلکی) می‌خواند و بقیه گوش می‌دهند و صاحب آن چیز از محتوای دوبیتی درمی‌یابد که نیتش برآورده می‌شود یا نه.

رباعی‌خوان یا تبری‌خوان، برای گرم شدن مجلس و شادی بیشتر، ترانه‌ها و دوبیتی‌ها را با موقوم (muqo:m) در مایه‌ای از موسیقی ایرانی می‌خواند. بیشتر رباعی‌ها و دوبیتی‌ها ترکیبی است از واژه‌های گیلکی تبری و گیلکی شرق گیلان است و آن‌ها را امیری می‌نامند و بیشترشان منسوب به امیرپازواری، شاعر گیلک‌سرای مازندرانی است.

پنجم: موردال ما **murdäl mä**

۱۵ آذر تا ۱۴ دی ماه هجری شمسی. کوه‌نشینان، لاشه گوسفند و گاو را مردال گویند. در موردال‌ما، اواخر پاییز به سبب بارنده‌گی، نوعی گیاه به نام **tijə** در کوهستان‌ها می‌روید که گوسفند با خوردن آن دچار مرگ و میر می‌شوند.

ششم: شریر ما **šarir mä**

۱۵ دی تا ۱۴ بهمن هجری شمسی.

هفتم: امیر ما **amir mä**

۱۵ بهمن تا ۱۴ اسفند. به معنی نمیرماه، یا جاودان یا مهرماه گیلکی است. شانزدهم این ماه، امیرِ مای هشت و هشت، یعنی ۱۶ مهرماه است که همان مهرگان معروف می‌باشد.

هشتم: آول ما **äval mä**

از ۱۵ اسفند تا ۱۵ فروردین هجری شمسی (چون اسفندماه در سال‌شماری هجری شمسی ۲۹ روزه است) طول می‌کشد. این ماه مقارن با اسفند و فروردین هجری شمسی است و در آن آیین کول‌کول چارشنبه (چهارشنبه‌سوری) اجرا می‌شود.

در پایان همین ماه، ۵ روز اضافه بر ۳۶۰ روز با نام پنجیک (**panjik**) جا می‌گیرد. هر چهار سال، یک روز به نام ویشک نیز به این پنج روز اضافه می‌گردد. اگر سال ۳۶۵ روزه باشد، روزهای پنجیک به ترتیب: شانزدهم، هفدهم، هجدهم، نوزدهم و بیستم فروردین هجری شمسی خواهد بود و اگر سال ۳۶۶ روزه باشد، پانزدهم فروردین ویشک نام می‌گیرد و روزهای شانزدهم تا بیستم، باز هم پنجیک خواهند بود. در قدیم، در روزهای پنجیک، جشن می‌گرفتند و شخم زدن زمین و خیس نمودن شلتوک و بذر افشاندن را درست نمی‌پنداشتند.

نوروز اعتدال بهاری (اول فروردین هجری شمسی) نیز در این ماه واقع شده است که در مناطق دیلمان-گیلان دارای هویتی به طور کامل جدا از نوروز گیلکی می‌باشد. و گیلکان نیز از دیرباز، هم‌گام با سایر اقوام، با

خانه‌تکانی و خرید پوشاک نو و شیرینی و آجیل خود را آماده نوروز بهاری می‌کردند و هدایایی از قبیل پوشاک، کفش، شام و یا پول به مستمندان می‌دادند.

نهم: سیا ما seyä mä

از ۲۱ فروردین تا ۱۹ اردیبهشت هجری شمسی.

دهم: دیا ما deyä mä

از ۲۰ اردیبهشت تا ۱۸ خرداد ماه هجری شمسی.

یازدهم: ورفن ما varfən mä

از ۱۹ خرداد تا ۱۷ تیر ماه هجری شمسی. ماهی که برف نمی‌آید، اوج گرما.

دوازدهم: اسفندار ما esfandär mä

۱۸ تیر تا ۱۶ مرداد ماه هجری شمسی.

گریزی به واژگان گیلکی مربوط به گاه‌شماری

فصل‌ها در گیلکی:

وهار (vəhär) یا بهار (bəhär). / تاوَسُون (tävəsön) / پیئیز (pəiz) / زمسان (zəmässän)، زمسسون (zəmässön) یا زوموسُون (zumussön).

زمان‌های شبانه‌روز در گیلکی:

شبانه‌روز: شبنده‌روز (šabandə ruz) / شواروز (šowä ruz)

صبح‌دم، صبح‌گاه: صوب (sub) / سواين سر (suväyn-sar)

پیش از ظهر: پیش‌چاشت (piš cäšt)

ظهر: چاشت (cäšt)

عصر: ورچاشت (var cäšt)

نزدیک غروب و هنگام فرونشستن خورشید: پس‌چم (pas cem) / مغرب‌دم (maqrib dam)

غروب: آفتو پر دچین (aftow par dacin) یعنی هنگامی که افتاب، چون پرنده، پرهایش (اشعه خود) را

جمع می‌کند.

تاریک‌روشن غروب: چمالیم (cemä lim)

شبان‌گاه: شانه‌سر (šäne sar)

روز: روج (ruj)

شب: شو (šow)

امروز: امرو (emru)

دیروز: دیرو (diru)

جهت‌های جغرافیایی در گیلکی:

شمال: کلسیا (kalseyä)

جنوب: نسا (nesä) / نسوم (nasum)

شرق: خوراسون (xuräson) / خورتاب (xurtäb) / افتو ورس (aftow-varas) ورس یعنی برخیز. سویی

که آفتاب برخیزد.

غرب: افتو زردی (aftow zardi)

نویسنده : ورگ

www.v6rg.com